

اصول و فاکتورهای نوین و خاص لزوم قضاذایی حدود ملک در سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

(تاریخ دریافت ۱۴۰۴/۰۷/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۴/۱۲/۰۳)

دکتر رضا بیرانوند^۱

محمد نیازپور امغان

چکیده

حدود ملک و تثبیت مرزهای حقوقی و فنی آن، نقطه اتصال نظام ثبت با امنیت مالکیت، کارآمدی بازار زمین، جلوگیری از تعارضات ثبتی و کاهش بار ورودی پرونده‌ها به محاکم است. در ایران، هم‌زمانی تحول فناوری‌های نقشه‌برداری و داده‌های مکانی با اجرای سیاست‌های حدنگار، فرصت کم‌نظیری برای بازطراحی فرآیند تعیین و اصلاح حدود فراهم کرده است. اما هرگونه توسعه فنی، بدون طراحی سازوکارهای حقوقی و رویه‌ای متناسب برای حل اختلاف، به جای کاهش اختلافات می‌تواند اختلاف را از «ابهام» به «چالش در تفسیر داده» منتقل کند. مسئله اصلی این مقاله تبیین ضرورت قضاذایی حدود ملک در سازمان ثبت اسناد و املاک کشور و ارائه اصول و فاکتورهای نوین و خاص برای تحقق آن است. به گونه‌ای که اختلافات مرزی و ثبتی، پیش از ورود به دادگستری، از مسیرهای اداری شفاف، تخصصی، چندمرحله‌ای و قابل نظارت حل و فصل شود. مقاله با رویکرد تحلیلی-توصیفی و با اتکا بر مبانی حقوق ثبت، سیاست‌گذاری قضایی، تجربه‌های جهانی در اداره زمین، و الزامات فنی نظام‌های کاداستری، نشان می‌دهد قضاذایی هوشمندانه حدود ملک نیازمند هم‌افزایی سه لایه «هنجاری و نهادی»، «فرآیندی و رفتاری»، و «فناورانه و داده‌محور» است. در نهایت، چارچوبی پیشنهادی برای سازوکار قضاذایی ارائه می‌شود که بر کمیته‌های تخصصی تعیین حدود، میانجی‌گری ثبتی، استانداردسازی ادله فنی، مدیریت ریسک اختلاف، و تضمین حق اعتراض مؤثر استوار است.

واژگان کلیدی: قضاذایی، حدود ملک، حدنگار، حل و فصل اختلاف، امنیت مالکیت



مقدمه

در حقوق ثبت، «حدود» نه صرفاً یک وصف هندسی، بلکه مبنای تعیین قلمرو حق عینی و مرز اعمال اختیار مالکانه است. هر جا حدود روشن باشد، انتقال، رهن، تفکیک، افراز، و اجرای طرح‌های عمومی با هزینه کمتر و اطمینان بیشتر انجام می‌شود. و هر جا حدود مبهم یا محل تعارض باشد، اختلافات مرزی و دعاوی تصرف و رفع مزاحمت و ابطال اسناد و اصلاح اسناد، به سرعت افزایش می‌یابد. از منظر حکمرانی، اختلافات حدودی، نشانه‌ای از شکاف در هم‌سویی میان «نقشه»، «سند»، و «واقعیت تصرف» است. و از منظر قضایی، این اختلافات یکی از سرچشمه‌های تکرارشونده پرونده‌های ملکی و اطاله دادرسی به شمار می‌رود. در سال‌های اخیر، سیاست عمومی کشور به سمت توسعه حدنگار و یکپارچه‌سازی اطلاعات ثبتی و مکانی حرکت کرده است و در نتیجه، سازمان ثبت اسناد و املاک کشور در موقعیتی قرار گرفته که می‌تواند از ابزارهای فنی برای افزایش قطعیت حدود بهره بگیرد. با این حال، در هر نظام ثبت، حتی با دقیق‌ترین نقشه‌ها، اختلاف در تعیین مرز ممکن است رخ دهد. زیرا مرزهای حقوقی، محصول ترکیب داده فنی، سوابق ثبتی، توافقات پیشین، عرف محلی، و گاهی خطاهای تاریخی و تغییرات طبیعی یا انسانی در عوارض است. بنابراین، «قضازدایی» در این حوزه به معنای حذف حق مراجعه به دادگاه نیست. بلکه به معنای طراحی مسیرهای اداری تخصصی و عادلانه برای حل اختلاف، پیش از مرحله قضایی، و تبدیل دادگاه به «مرجع نهایی کنترل» به جای «مرجع نخستین حل اختلاف» است. این پژوهش می‌کوشد ضمن تبیین مبانی و ضرورت قضازدایی حدود ملک، اصول و فاکتورهای نوین و خاص آن را با تمرکز بر نقش سازمان ثبت ارائه کند. اصولی که هم به کاهش ورودی پرونده‌ها کمک کند و هم از تضعیف حقوق اشخاص، بی‌طرفی، و تضمین دسترسی به اعتراض مؤثر جلوگیری نماید.



بخش اول: چارچوب مفهومی قضا‌زدایی حدود ملک

حدود ملک در نظام ثبت، مرز حقوقی شناسه‌دار یک قطعه است که قلمرو مالکیت را تعیین می‌کند و مرجعیت آن باید در تعارض میان ادعاها و تصرف‌ها قابل اتکا باشد. اگر حدگذاری صرفاً بر مبنای توصیف‌های کلی یا پلاک‌های قدیمی انجام شود، اختلاف به شکل ساختاری بازتولید می‌شود. در مقابل، اگر حدگذاری بر پایه پیوند مستند میان «سند»، «نقشه بزرگ‌مقیاس»، و «کنترل میدانی» باشد، اختلافات کاهش می‌یابد. از همین‌رو، حدود ملک یک مسئله هم‌زمان حقوقی و فنی است و راه‌حل آن نیز باید ترکیبی از ابزارهای حقوقی و فناوری باشد.

۱- قضا‌زدایی به مثابه سیاست عمومی در مدیریت تعارض

قضا‌زدایی در ادبیات سیاست‌گذاری قضایی، رویکردی برای کاهش بار دادگاه‌ها از طریق گسترش شیوه‌های جایگزین حل اختلاف، تصمیم‌گیری اداری تخصصی، و پیشگیری از تعارض است. در موضوع حدود، قضا‌زدایی زمانی موفق است که مسیر اداری، هم از حیث تخصص (توان تحلیل نقشه و سوابق) و هم از حیث عدالت رویه‌ای (شنیدن طرفین، شفافیت، قابلیت اعتراض) از کیفیت کافی برخوردار باشد. در غیر این صورت، قضا‌زدایی به «تأخیر در رسیدگی» یا «انباشته شدن اعتراض‌ها» تبدیل می‌شود و نه کاهش تعارض.

۲- تمایز اختلاف حدودی با اختلاف مالکیت

یکی از خطاهای رایج در مدیریت پرونده‌های ملکی، یکسان‌انگاری اختلاف حدود با اختلاف مالکیت است. اختلاف حدودی غالباً ناظر به تعیین خط مرزی میان دو یا چند قطعه است، در



حالی که اختلاف مالکیت ممکن است ناظر به اصل تعلق حق باشد. سازوکار قضازدایی باید این تمایز را به رسمیت بشناسد و برای اختلاف حدودی، مسیرهای سریع‌تر، فنی‌تر و مبتنی بر سازش یا تصمیم کارشناسی ایجاد کند. در عین حال، اگر اختلاف حدودی به نزاع در اصل مالکیت گره بخورد، باید امکان ارجاع دقیق و محدود به مرجع صالح قضایی فراهم باشد. سازمان ثبت، به دلیل در اختیار داشتن بانک سوابق ثبتی و نقش محوری در تولید سند و نقشه ثبتی، موقعیت نهادی ویژه‌ای برای پیشگیری و حل اختلاف حدود دارد. اما این نقش زمانی مشروع و پایدار است که مرزبندی روشنی میان «تصمیم اداری فنی» و «حکم قضایی» رعایت شود. تصمیم اداری می‌تواند بر پایه قواعد روشن و استانداردهای فنی اتخاذ گردد و سپس تحت نظارت و قابلیت اعتراض مؤثر قرار گیرد. این سازوکار دو نتیجه دارد: نخست، حل بخش عمده اختلافات در سطح تخصصی و کم‌هزینه. دوم، ارتقای کیفیت پرونده‌هایی که ناگزیر به دادگاه می‌رسند، زیرا داده‌ها و مستندات یکپارچه و پالایش شده‌اند.

بخش دوم: بیان مسئله و ضرورت‌های ویژه قضازدایی حدود ملک

در بسیاری از پلاک‌های ثبتی، داده‌های حدی به شکل تاریخی و توصیفی شکل گرفته و گاهی در طول زمان با تفکیک‌ها، تجمع‌ها، اصلاحات، و تغییرات کاربری یا عوارض طبیعی، دچار گسست شده است. علاوه بر آن، تفاوت میان نقشه‌های تهیه‌شده در دوره‌های مختلف، استانداردهای متفاوت برداشت، و فقدان اتصال کامل میان لایه‌های ثبتی و کاداستری، زمینه اختلاف را تقویت می‌کند. از سوی دیگر، اختلافات محلی، عرف‌های مرزی، و تغییرات تدریجی در تصرف، مرز را از یک خط دقیق به یک «منطقه اختلاف» تبدیل می‌کند. در این



وضعیت، مراجعه مستقیم به دادگاه، به دلیل پیچیدگی فنی و نیاز به کارشناسی‌های متعدد، به اطلاع دادرسی و هزینه‌های سنگین می‌انجامد.

۱- بار قضایی و هزینه‌های اجتماعی اختلافات حدودی

اختلافات حدودی معمولاً پیامدهای زنجیره‌ای دارند. یک اختلاف مرزی می‌تواند به توقف نقل و انتقال، تعلیق پروژه‌های عمرانی، کاهش انگیزه سرمایه‌گذاری، افزایش دعوای تصرف و خلع ید، و حتی تنش‌های محلی منجر شود. از منظر دادگستری نیز، این اختلافات با کارشناسی‌های متوالی، اعتراض به نظریه کارشناسی، و دشواری بازسازی سوابق ثبتی، زمان‌بر هستند. بنابراین، سیاست عقلانی آن است که «تشخیص فنی و حل اختلاف» تا حد امکان در سطح تخصصی و اداری انجام شود و دادگاه تنها در موارد گره‌خورده به ماهیت حق یا تخلف آشکار وارد شود.

۲- فرصت‌های نوین ناشی از حدنگار و دیجیتالی شدن داده‌ها

با توسعه حدنگار و ابزارهای سنجش و نقشه‌برداری، امکان تولید مرزهای دقیق‌تر و قابل‌بازبینی فراهم شده است. همچنین، یکپارچه‌سازی سامانه‌ها می‌تواند مسیر ثبت اعتراض، تبادل مستندات، و ردیابی تصمیمات را شفاف کند. اما همین تحول، چالش‌های جدیدی نیز ایجاد می‌کند: اختلاف ممکن است از سطح «حدود مبهم» به سطح «تعارض داده‌ها، استانداردها و تفسیر کارشناسی» منتقل شود. بنابراین، ضرورت قضازدایی امروز نه فقط برای کاهش بار دادگاه، بلکه برای مدیریت تعارضات داده‌محور و جلوگیری از تبدیل فناوری به منبع اختلاف است.



بخش سوم: اصول و فاکتورهای نوین و خاص لزوم قضا‌دایی حدود ملک

۱- اصل یکپارچگی سند، نقشه و واقعیت تصرف

نخستین اصل، هم‌راستاسازی سه گانه سند، نقشه و تصرف است. بسیاری از اختلافات حدودی زمانی بروز می‌کند که سند، نقشه و تصرف، روایت‌های متفاوتی ارائه می‌دهند. قضا‌دایی زمانی معنا دارد که سازمان ثبت بتواند با یک رویه مشخص، این سه لایه را هم‌زمان ببیند و در تصمیم‌گیری، روشن کند کدام لایه در چه حد و با چه ضوابطی مرجعیت دارد. فاکتور خاص در اینجا، تدوین «سلسله‌مراتب ادله حدی» است. یعنی مشخص شود در تعارض داده‌ها، کدام سند یا نقشه یا سابقه، وزن بالاتری دارد و چرا.

۲- اصل استانداردسازی ادله فنی و کاهش تعارض کارشناسی

یکی از دلایل اصلی ورود اختلاف به دادگاه، تعارض گزارش‌های کارشناسی است. اگر سازمان ثبت بتواند استانداردهای یکنواخت برای برداشت، پردازش، مستندسازی و ارائه ادله فنی ایجاد کند، احتمال تعارض کارشناسی کاهش می‌یابد. فاکتورهای نوین در این حوزه عبارت‌اند از: تعریف قالب یکسان برای گزارش فنی، الزام به درج شاخص‌های دقت و عدم قطعیت، ثبت نسخه‌های داده خام و پردازش‌شده، و ایجاد امکان بازبینی مستقل درون سازمانی. این فاکتورها موجب می‌شود اختلافات به جای کشمکش بر سر «سلیقه کارشناسی»، بر اساس معیارهای قابل آزمون مدیریت شود.



۳- اصل مشارکت ذی نفعان و اعتمادسازی رویه‌ای

قضازدایی بدون اعتماد اجتماعی پایدار نیست. در اختلاف حدودی، طرفین معمولاً احساس می‌کنند هر تصمیم، مستقیماً بر دارایی و امنیت آنان اثر دارد. بنابراین، شفافیت و امکان ارائه توضیح، حیاتی است. فاکتور نوین و خاص در اینجا، طراحی «جلسه استماع حدی» در سطح اداری است. جلسه‌ای که در آن طرفین بتوانند مستندات خود را ارائه کنند، روی نقشه و مستندات مکانی توضیح دهند، و از تصمیم گیرندگان پرسش کنند. این سازوکار، هم کیفیت تصمیم را بالا می‌برد و هم احتمال اعتراض‌های بعدی را کاهش می‌دهد. یافته‌های ادبیات تخصصی نیز نشان می‌دهد نقش مالکین و روشن بودن نقش‌ها در موفقیت تثبیت حدود بسیار مؤثر است.

۴- اصل تفکیک تعارض داده‌ای از تعارض حقوقی

بسیاری از اختلافات ظاهراً حقوقی، در واقع داده‌ای است. مثل تعارض میان دو نقشه، یا ناسازگاری میان مختصات و کروکی. اگر سازمان ثبت بتواند در بدو امر تشخیص دهد اختلاف از کدام جنس است، می‌تواند آن را در مسیر درست هدایت کند. فاکتور خاص در این حوزه، ایجاد «غربال‌گری اختلاف» است. یعنی یک مرحله اولیه برای طبقه‌بندی اختلاف به داده‌ای، تفسیری، یا ماهوی. اختلافات داده‌ای با اصلاح و کنترل فنی و بازبینی مستندات حل می‌شود، اختلافات تفسیری با میانجی‌گری و تبیین سوابق، و اختلافات ماهوی در صورت نیاز با ارجاع محدود و مستند به دادگاه.



قضازدایی اگر به تصمیم یک مرحله‌ای تبدیل شود، خطر خطا و احساس بی‌عدالتی افزایش می‌یابد و موج اعتراض به دادگاه را تقویت می‌کند. بنابراین، باید مراحل مشخص و متناسب وجود داشته باشد: بررسی اولیه، رسیدگی تخصصی، امکان تجدیدنظر اداری، و سپس حق مراجعه به مرجع قضایی. فاکتور نوین در اینجا، طراحی «تجدیدنظر اداری تخصصی» است که در آن اعضای متفاوت یا سطح بالاتر سازمانی، تصمیم را از منظر فنی و حقوقی بازبینی کنند. این موضوع از یکسو کیفیت تصمیم را بالا می‌برد و از سوی دیگر، کارکرد دادگاه را از رسیدگی نخستین به کنترل نهایی نزدیک می‌کند. در اختلافات حدودی، زمان عامل مهمی است. زیرا تعلیق وضعیت ملک می‌تواند معامله و بهره‌برداری را متوقف کند. با این حال، سرعت نباید به قیمت کاهش دقت و تضییع حقوق تمام شود. فاکتور خاص برای توازن، تعیین «مهلت‌های استاندارد» برای هر مرحله و تعریف «پرونده‌های فوری» بر اساس معیارهای روشن است. مثل پروژه‌های عمومی، معاملات رسمی در حال اجرا، یا مواردی که خطر تشدید تعارض محلی وجود دارد.

۵- اصل بهره‌گیری از فناوری‌های نوین برای پیشگیری، نه فقط حل اختلاف

فناوری اگر صرفاً در مرحله رسیدگی به اختلاف وارد شود، فرصت پیشگیری از دست می‌رود. فاکتورهای نوین پیشگیرانه شامل این موارد است: هشدار سامانه‌ای هنگام تعارض پلاک‌ها یا هم‌پوشانی حدود، کنترل‌های خودکار کیفیت داده، ثبت تاریخچه تغییرات مرز، و نمایش شفاف لایه‌های ثبتی برای ذی‌نفعان در حد مجاز. چنین ابزارهایی قبل از شکل‌گیری اختلاف، به کشف خطا کمک می‌کنند و در نتیجه، پرونده به دادگاه تبدیل نمی‌شود. در ادبیات اداره



زمین، کاداستر به عنوان سامانه اطلاعاتی پایه برای کاهش اختلاف و حمایت از سیاست‌های زمین معرفی می‌شود و همین نگاه پیشگیرانه را تقویت می‌کند.

۶- اصل هماهنگی نهادی و کاهش تعارض بین دستگاهی

اختلاف حدودی گاه از تعارض میان تصمیمات یا داده‌های دستگاه‌های مختلف ناشی می‌شود. مانند تعارض با طرح‌های شهری، منابع طبیعی، یا زیرساخت‌ها. قضازدایی در سازمان ثبت، بدون سازوکار تعامل نهادی، ناقص می‌ماند. فاکتور خاص در اینجا، ایجاد مسیرهای تبادل داده و کارگروه‌های مشترک برای پرونده‌های حساس است تا اختلافات بین‌دستگاهی پیش از تبدیل به دعوای قضایی مدیریت شود.

۷- اصل آموزش و حرفه‌ای‌سازی نقش‌ها در حل اختلاف ثبتی

حل اختلاف اداری حدود، به مهارت‌های ترکیبی نیاز دارد: فهم حقوق ثبت، توان تحلیل نقشه، مهارت گفت‌وگو و میانجی‌گری، و دقت در مستندسازی. فاکتور نوین در این حوزه، تعریف مسیرهای آموزشی و گواهی حرفه‌ای برای کارشناسان و تصمیم‌گیرندگان اداری است، تا تصمیمات هم‌سطح و هم کیفیت شوند و وابسته به فرد نباشند.

۸- اصل تولید داده قابل استفاده برای دادگاه در موارد استثنایی

هدف قضازدایی حذف کامل دادگاه نیست. در برخی پرونده‌ها، دادگاه ناگزیر وارد می‌شود. بنابراین، فاکتور مهم آن است که خروجی رسیدگی اداری به گونه‌ای باشد که دادگاه بتواند سریع‌تر و دقیق‌تر تصمیم بگیرد: پرونده منظم، داده‌های فنی استاندارد، صورت‌جلسات استماع،



و گزارش‌های روشن درباره منطق تصمیم. این امر هم به کاهش اطاله دادرسی کمک می‌کند و هم موجب می‌شود دادگاه کمتر نیازمند کارشناسی‌های تکراری باشد.

بخش چهارم: الگوی پیشنهادی برای پیاده‌سازی قضا‌دایی حدود ملک در سازمان ثبت

الگوی پیشنهادی بر سه رکن استوار است: واحد غربال‌گری اختلاف، کمیته تخصصی تعیین حدود، و مرجع تجدیدنظر اداری. واحد غربال‌گری، اختلاف را طبقه‌بندی می‌کند و مسیر مناسب را تعیین می‌نماید. کمیته تخصصی، رسیدگی ماهوی فنی-ثبتي را انجام می‌دهد و از ابزارهای استماع و بازدید میدانی بهره می‌برد. مرجع تجدیدنظر، تصمیم را بازبینی می‌کند و در صورت مشاهده خطای مؤثر، آن را اصلاح یا برای رسیدگی مجدد اعاده می‌کند. فرآیند پیشنهادی می‌تواند شامل مراحل زیر باشد: ثبت درخواست و مستندات، کنترل اولیه و طبقه‌بندی اختلاف، ابلاغ به طرف مقابل و دریافت پاسخ، تشکیل جلسه استماع و بررسی سوابق، بازدید میدانی یا تطبیق فنی در صورت نیاز، صدور تصمیم مستند و قابل فهم، و در نهایت امکان تجدیدنظر اداری. در هر مرحله باید زمان‌بندی، مسئولیت‌ها و معیارهای تصمیم روشن باشد تا فرآیند از سلیقه فردی فاصله بگیرد.

برای اینکه قضا‌دایی به کاهش اختلاف منجر شود، کیفیت و شفافیت ضروری است. ابزارهای پیشنهادی عبارت‌اند از: چک‌لیست‌های استاندارد برای پرونده‌های حدودی، ثبت تاریخچه تصمیم و دلایل آن، امکان دسترسی طرفین به خلاصه مستندات و نقشه‌های مرتبط در چارچوب مقررات، و ایجاد نظام ارزیابی عملکرد بر مبنای شاخص‌هایی مانند درصد توافق، میزان اعتراض، و زمان متوسط رسیدگی. سازمان ثبت می‌تواند نقشه ریسک اختلاف را بر



اساس داده‌های تاریخی، تراکم تعارض، نوع کاربری، و قدمت سوابق ایجاد کند. سپس در مناطق پریسک، برنامه‌های پیشگیرانه مانند بازنگری داده‌ها، اطلاع‌رسانی به مالکان، و ساماندهی مشارکتی تعیین حدود اجرا شود. این رویکرد به جای برخورد واکنشی، اختلاف را مدیریت می‌کند و هزینه اجتماعی را کاهش می‌دهد. هر الگوی قضازدایی باید به اصل انصاف پایبند باشد. رعایت حق شنیده شدن، حق دسترسی به اطلاعات مرتبط، بی‌طرفی تصمیم‌گیرنده، و امکان اعتراض مؤثر، شرط مشروعیت سازوکار اداری است. کارآمدی اداری بدون این تضمین‌ها به بی‌اعتمادی و افزایش مراجعه به دادگاه می‌انجامد. بنابراین، قضازدایی موفق، قضازدایی «عادلانه و شفاف» است، نه صرفاً سریع و کم‌هزینه.

نتیجه‌گیری

قضازدایی حدود ملک در سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، یک ضرورت چندوجهی است که از هم‌زمانی فشار قضایی پرونده‌های ملکی، پیچیدگی فنی اختلافات حدودی، و فرصت‌های ناشی از حدنگار و دیجیتال شدن داده‌ها ناشی می‌شود. این مقاله نشان داد که قضازدایی در این حوزه نه با یک دستور اداری، بلکه با مجموعه‌ای از اصول و فاکتورهای نوین و خاص محقق می‌شود: یکپارچگی سند، نقشه و تصرف. استانداردسازی ادله فنی. مشارکت و استماع ذی‌نفعان. تفکیک تعارض داده‌ای از تعارض حقوقی. چندمرحله‌ای بودن تصمیم و تضمین حق اعتراض. مدیریت زمان و کیفیت. فناوری پیشگیرانه. هماهنگی نهادی. حرفه‌ای‌سازی نقش‌ها. و تولید خروجی قابل استفاده برای مرجع قضایی در موارد استثنایی.

الگوی پیشنهادی مقاله، با طراحی غریبال‌گیری اختلاف، کمیته تخصصی تعیین حدود، و تجدیدنظر اداری تخصصی، می‌کوشد دادگاه را از مرجع نخستین حل اختلاف به مرجع کنترل



نهایی تبدیل کند، بدون آنکه حق دسترسی به عدالت تضعیف شود. در نهایت، موفقیت قضا‌دایی در حدود ملک، شاخصی از بلوغ حکمرانی داده‌محور در ثبت و میزان اعتماد عمومی به تصمیمات اداری است. و هر اندازه این سازوکار بر استاندارد، شفافیت، بی‌طرفی و مشارکت تکیه کند، هم امنیت مالکیت افزایش می‌یابد و هم بار قضایی به شکل پایدار کاهش پیدا می‌کند.



منابع و مآخذ

الف) منابع فارسی

۱. قانون جامع حدنگار کشور، مصوب ۱۲ بهمن ۱۳۹۳ مجلس شورای اسلامی، منتشر شده در روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران، ۲۳ اسفند ۱۳۹۳.
۲. آیین نامه اجرایی قانون جامع حدنگار کشور، مصوب ۲۲ فروردین ۱۳۹۵ رئیس قوه قضائیه، مجموعه تنقیح قوانین و مقررات کشور.
۳. شهری، غلامرضا. حقوق ثبت اسناد و املاک. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی

ب) منابع انگلیسی

۱. International Federation of Surveyors (FIG). FIG Statement on the Cadastre. FIG Publication No. ۱۱. Copenhagen: FIG, ۱۹۹۵.
۲. Srebro, H. (Referenced in FIG publications on boundary issues). In: FIG Publication No. ۷۶, International Boundary and Land Administration related report. Copenhagen: FIG, ۲۰۲۰.
۳. Taiwo, O., Ibitoye, A., et al. "Long-Term Impact: Investigating the long-term impact of Fit-for-Purpose (FFP) cadastral mapping..." In: FIG Working Week Proceedings. FIG, ۲۰۲۴.
۴. Sonnenberg, J., et al. "Success factors in cadastral boundary settlements based on landowners' involvement and dispute management." *Land Use Policy*, Volume ۱۱۴, ۲۰۲۲.
۵. (Authors as listed in the paper) "Advancing Cadastral Systems: Development of the Land Administration Domain Model (LADM) Country Profile for Iran..." *Journal article (PDF)*.
۶. EDI-Info. Country Report on Cadastre and Land Registration in Iran. Technical report (PDF).